

میدون و سوفیا

ما شفته‌ها و شما شیفته‌ها!



● آدم کیف می‌کند به دلایل مختلف، اما چه کیفی بهتر از اینکه بینی مسئولان و فرزندان و فک‌وقامیل در همه این سال‌ها شیفته خدمت بوده‌اند؛ برخلاف ما که همیشه شفته خدمت بوده‌ایم و هیچ‌کاری از دستان برنمی‌آید. برخلاف ما شفته‌ها، خداوند شیفته‌ها را برای ما شفته‌ها نگه دارد.

از آنجا که حرف، حرف می‌آورد، به حرفی که استاد به زبان آوردند دقت کنیم:
استاد حداد‌عادل در پاسخ به سوآلی درخصوص مدیر شبکه سوم سیما، گفت: «علی فروغی»، رئیس شبکه سوم سیما، از قوم و خویشی بنده استفاده نکرده و من دخالتی در انتخاب او نداشته‌ام. پسر باجنافم رئیس شبکه سوم سیماست، وی قبل از آنکه به این سمت برسد چند سال رئیس بسیج صداوسیما بوده است. به صراحت عرض می‌کنم نه روح بنده از اینکه وی رئیس بسیج شده، باخبر بوده و نه من مطلقا اطلاع داشتم که می‌خواهند او را رئیس شبکه سوم کنند. وی افزود: از این موضوع اطلاعی نداشته و دخالتی هم نداشته‌ام. حتی فرزند من که سنش به آقای فروغی نزدیک‌تر است، خبر نداشته که در صداوسیما تصمیم گرفته‌اند که فروغی را رئیس شبکه سوم کنند، اما برنامه دشمن در فضای مجازی این است که همه ما را بدنام کند.

وی تاکید کرد: افتخار ما این است که فرزندی تربیت کنیم که به نظام خدمت کند و باید هنرمان این باشد.

● **جمع‌بندی:** سوفیا... عشقم... من بی‌کارت و علاف هستم، چراکه من آقازاده که نشدم، داداش‌زاده هم که نشدم، باجناب‌زاده هم نشدم. خاک‌توسرم پس. همان شفته بمانم.

عاشق شفته تو؛ میدون دوم



شرق روزنامه

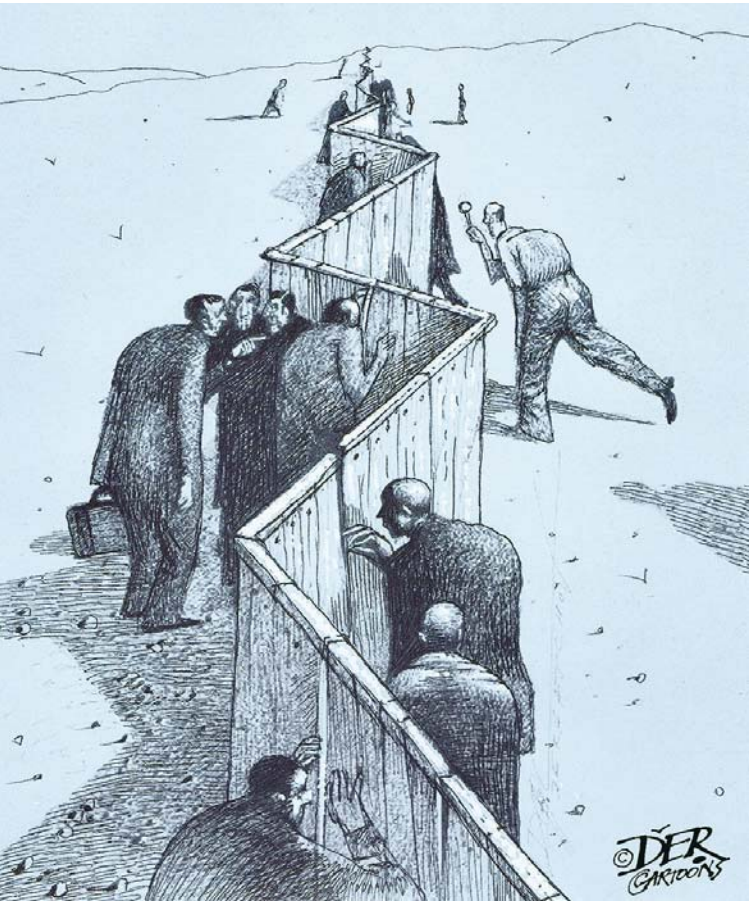
www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۳ دی ۱۳۹۷ • ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۴۴۰ • ۲۴ دسامبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۳۳۲۴ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۲:۰۴ • اذان مغرب ۱۷:۱۶ • اذان صبح فردا ۵:۴۲ • طلوع آفتاب ۱۷:۱۲

روزنفرها

کارتون خواب

اولگ درگاتچوف



قلم سبز

دوزیستی به نام ترامپ

می‌برد، مانند کبک که سر خود را در برف فرو می‌برد و دیگر کسی را نمی‌بیند، به نام درموفیس دونالد ترامپ (dermophis donald trump) نام‌گذاری شد.

زیرا هم‌نامش نیز تغییر اقلیم را نابیناوار چون او نمی‌بیند و انکار می‌کند!

گفتنی آنکه این موجود تازه‌کشف‌شده از خانواده کورسمنده‌ها بوده و ۱۰ سانتی‌متر طول دارد. نام‌گذاری آن از جانب سازمان غیرانتفاعی Rainforest-Trust که برای حفاظت و پیشگیری از نابودی جنگل‌های بارانی تلاش می‌کند، در جریان یک جمع‌آوری اعانه به «حراج» گذاشته شده بود. شرکت بریتانیایی EnviroBuild به مصالح ساختمانی پایدار تولید می‌کند با ۲۵ هزار دلار بیشترین اعانه را پرداخت کرده و در نتیجه اجازه داشته است تا نامی به‌دلخواه برای این کورسمندر انتخاب کند.

درحالی‌که حفاظت از جنگل‌های بارانی جهان یکی از مهم‌ترین راه‌های مؤثر در مبارزه با تغییر اقلیم است، سازمان Trust تخمین می‌زند که تقریبا



محمد درویش

در خبرها آمده که یک دوزیست کوچک، نابینا، براق و شبیه به کرم که اخیرا در پاناما کشف شده است، به افتخار چهل‌وپنجمین رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا نام‌گذاری شد تا حیرت بسیاری از جهانیان را برانگیزد!
ماجرا از این قرار است که این موجود تازه‌کشف‌شده به‌دلیل ویژگی رفتاری مشابهی که با رهبر کاخ سفید دارد، به چنین افتخاری نائل آمده است؛ افتخاری که شاید اگر زبان داشت و می‌توانست از خود دفاع کند، مانند ملاصدرا و امیرکبیر- که علیه وزارت نیرو اعلام جرم می‌کردند که چرا نام نیک ما را در پای این موجودات پهن‌پیکر سیمان‌اندود، موسوم به سسد، آلوده کردید- به این بی‌سلیقگی اعتراض می‌کرد!

از آنجا که این دوزیست، سر خود را در زمین فرو



بابک زمانی
رئیس انجمن سکتة مغزی

هفته گذشته استعفای دکتر ایرج فاضل به‌دنبال بازنسستگی‌اش از دانشگاه، با وجود درخواست‌های مکرر انجمن‌ها و گروه‌های پزشکی قطعی شد. این در حالی بود که ایشان هم از نظر توان فکری و فیزیکی در استاندارد بسیار بالایی قرار داشتند و هم شخصیت شناخته‌شده ایشان اهل شانه خالی‌کردن از مسئولیت نبود، همچنین همه می‌دانند فشاری برای استعفا وجود نداشت و از نظر قانونی هم ادامه کار امکان‌پذیر بود. پس چرایی این رویداد مهم‌ترین بخش آن است؛ چرایی‌ای که به گمان من می‌تواند بازخورد مؤثری بر نظام سلامت کشور داشته باشد. در همین ابتدای کار قابل ذکر است آنچه در ادامه می‌آید، فقط نظریه‌پردازی نگارنده است و بر هیچ قول مستقیمی از جانب ایشان متکی نیست. می‌توانید این نظریه‌داری را اگر خواستید، نیت‌خوانی هم بنامید. بازخوردی که پیش‌تر اشاره کردم، به این دلیل می‌تواند بر نظام سلامت مؤثر بيفتد که از ورای این استعفا می‌توان به نظرگاه‌ای از کلیت سلامت کشور که بی‌ارتباط با کلیت مسائل اساسی کشور نیست، دست یافت. از این نظرگاه می‌توان برخی اشکالات پایه‌ای نظام سلامت کشور را رؤیت کرد؛ مشکلاتی که اصلاح آنها از درون اگر غیرممکن نباشد، بسیار دشوار به نظر می‌رسند؛ بحران رو به تعمیقی که خطرناک‌ترین وجه آن از نظر پنهان‌بودن آن است! از یک سو مشکلات اقتصاد سلامت ریشه در مسائل پایه‌ای عمیقی دارند که حتی سخن‌گفتن از آنها «تابو» شده است؛ مثل حق پزشکان و نمایندگان ایشان در معانعت از فروش خدمات گوناگون پزشکی. تندترین حامیان پزشکان هم می‌گویند: «نه حالا این موضوع را رها کنید، ما وقتی این صحبت پیش می‌آید

که راه علاج کیفیات سلامت از طریق تعریف یک ویزیت ساده پزشک عمومی و تعیین تعرفه و هزینه نظارت بر آن می‌گذرد، شما را بسیار مؤدبانه به قهوای دعوت می‌کنند تا احتمالا در ضمن آن بگویند: «ببینید آخه این حجم از ویزیت‌ها را اگر بخوان اضافه کتن سامان کشور به هم می‌ریزه، موضوع امنیتی پیش میاد و...».

از سوی دیگر جامعه‌مدنی، حتی آن بخش به‌اصطلاح مترقی و آشنا به اقتصادهای به‌اصطلاح «علمی» هم به نوعی نگاه بدوی و یکسان‌بین مبتلاست که تفاوتی بین نظام سلامت کشور و اراده مثبت یا منفی پزشکان نمی‌بیند. همه پزشکان را به‌مثابه همان سرمایه‌داران در نظر می‌آورد و به رسم قدیم تفاوت سرمایه‌دار با سرمایه‌داری هم در نظرگاه او محو می‌شود. فرمول‌های قدیمی قرون ماضی به کار می‌افتد و وقتی «آی‌سی‌یو»ها را بر می‌بیند، تصور می‌کند توطئه سرمایه‌داران است که مرگ را کسب‌وکار کرده‌اند. قادر به درک این نکته نیست که نظام دولتی پیشنهادی خود اوست که از کار افتاده و حتی توان پوشش بسیاری از بیماری‌های لاعلاج و مزمن را ندارد. بسیاری از اندیشه‌های مدیریتی هم از آشخور این نوع اپوزیسیون تغذیه می‌شوند. نگرش‌های سایر اصحاب فکر در این زمینه حتی قابل برشمردن هم نیستند. انجمن‌های پزشکی هم که در فضایی تیره‌وتار و نامشخص به‌عنوان انجمن‌های علمی با سه عرصه وجود گذاشتند، در بسیاری از موارد به انجمن‌های صنفی آن گروه تبدیل شدند و با بیشترین شدت و حدت هم در فضای مجازی و هم در فضای واقعی نه به دفاع از مقتضیات سلامت که به دفاع از منافع آن گروه پرداختند که البته در برخی از این موارد این دو منفعت هم‌جهت بودند. وقتی منافع گروه‌ها در تخالف یا حتی در تضاد با یکدیگر قرار می‌گرفتند، تعداد این انجمن‌ها بود که بسته به نوع تخصص‌ها روزبه‌روز اضافه می‌شد، اما از تعداد ارجاعات به مرجع بالاتری مثل نظام پزشکی روزبه‌روز کاسته

فراموش‌شدگان

کرمانشاه در آستانه فصل سرد!

شد، برخی آسیب‌ها نیز با کمک برخی بیمه‌ها مبالغشان پرداخته شد، برخی هم مانند هانیبه جزه، قهرمانان این زلزله شناخته شدند که با کمک‌های مردم توانست دوباره روی پاهایش بایستد و به شهرش بازگردد.
● **کودکان:** ۹۱ کودک در زلزله استان بی‌سرپرست شده‌اند که ۱۳ مورد نیز هر دو والدین خود را از دست دادند. آیا همان‌طور که وعده داده شده بود یک نفر آنها را به سرپرستی پذیرفت؟ در خبرها از سرنوشت آنها اطلاع دقیقی در دست نیست؛ اینکه آیا به سرپرستی سپرده شده‌اند یا در بین اقوام پذیرفته شده‌اند.

● **بی‌خانمان‌ها:** ۷۰ هزار نفر بی‌خانمان شدند. طبق اعلام رسمی، ۱۱۲ هزار واحد مسکونی در مناطق زلزله‌زده استان کرمانشاه دچار آسیب شدند. در تیرماه اعلام شد که برای ۸۲ هزار واحد از این تعداد عقد قرارداد شده ۵۳ هزار واحد در بخش تعمیر و ۲۹ هزار واحد در بحث احداثی است. به خانه‌های شهری حدود ۷۱ میلیون تومان و به خانه‌های روستایی حدود ۵۸ میلیون تومان کمک داده می‌شود.
● **وعده مسئول:** در دیدار هشتم آذر اسحاق جهانگیری، معاون رئیس‌جمهور اعلام شد بیش از ۲۰ هزار واحد مسکونی احداث و بیش از ۵۵ هزار واحد بازسازی و تعمیر شده است. او تاکید کرد: «واحد‌های باقی‌مانده، به‌خصوص در بخش روستایی باید حتما در روزها و هفته‌های آینده تکمیل شوند تا مردم مناطق زلزله‌زده استان در فصل سرما از سرپناه مطمئن برخوردار باشند». برای این وعده عملی نشده دلائل متعددی هم مطرح بود. استاندار گفت حداقل ۲۰ هزار تن آهن نیاز است یا توجه به گرانی‌ها، هزینه ساخت خانه حداقل ۸۰ درصد افزایش یافته است.

پرسش: غیر از اینکه به آستانه فصل سرد رسیده‌ایم؛ مشکل ساخته‌نشدن مسکن از طرف چه کسی است؟ مردم یا مسئولان یا شرایط...؟

● **مدرسه:** تعداد ۷۸ فضای آموزشی با ۴۱۵ کلاس درس آسیب دیدند، همان‌موقع ۱۵۲ کانکس تحویل داده شد. در آبان‌ماه گزارش داده شد که ۴۴ مدرسه روستایی با ۹۶ کلاس درس در مهر تحویل داده شد، اما از ۲۵ مدرسه شهری تنها یک مدرسه ۱۳ کلاسه قرار است در این چند

تجربه دیگران

معولان به کمک تجارت می‌آیند

قابل توجه این گروه جمعیتی را نادیده گرفته است. توجه کنید که ما درباره ۱۵ درصد جمعیت جهان صحبت می‌کنیم- یا یک نفر از هر هفت نفر- که با مشکلات معولیت‌ها دست به گریبان‌اند. اگر خانواده این افراد را هم در نظر بگیریم، ۵۳ درصد جمعیت جهان درگیر این مسئله است و همه ما در زندگی خود در ارتباط نزدیک با معولیت قرار داریم. این ترکیب جمعیتی در مجموع درآمد سالانه هشت تریلیون دلاری دارد؛ فرصتی که دنیا کسب‌وکار دیگر نمی‌تواند نادیده بگیرد. اما حضور معولان در جامعه نیاز به مدیریتی جسورانه دارد... این حرکت دارد آغاز می‌شود. ما به نقطه عطفی رسیدیم که زمان انقلابی در زمینه حضور و مشارکت معولان است. به‌تازگی انجمن اقتصاد جهانی اعلام کرد که در اجلاس آینده داووس در ماه ژانویه بحث حضور و

می‌شد، چراکه این مرجع هم از درون تهی‌شده و به قیمت لاستیک و پروژه‌های ساختمانی نه‌چندان مطمئن تقلیل پیدا کرده بود. نه‌فقط این، بلکه به‌جای آنکه بنابر فلسفه وجودی خود سازمان مدرن برای فعالیت‌هایی که در ادامه اشاره خواهم کرد باشند، تبدیل به حوزه‌ها و باشگاه‌هایی جدید و متعلق به حیثیت افراد می‌شوند و در کنار سایر تشکل‌های سنتی می‌روند تا مانع دیگری در برابر مدرن‌کردن نظام‌های سلامت باشند. شاهد مثال اینکه حتی یک انجمن نمی‌شناسید که در تخصصات بین‌تخصص‌های مختلف اندکی هم جانب گروه مقابل را گرفته باشد و دیگر اینکه حجم گایدلاین‌های کشوری در درمان بیماری‌ها، تلاش در استقرار نظام رجستری بیماری‌ها و تلاش در تهیه امکانات مالی برای پروژه‌های تحقیقاتی ملی و ارتباط با گروه‌های تحقیقاتی بین‌المللی، در برابر ارتباط‌های صنفی، نشست‌های حل اختلاف، اعلام تخصص حول مسائل صرفا صنفی و... رقم بسیار ناچیزی را در سیاهه فعالیت‌های این انجمن‌ها تشکیل می‌دهند. به‌علاوه تلاش‌های انجمن‌ها در تحقق تعرفه‌ها عمدتا از زاویه دریافت‌ها صورت می‌گرفت، نه از زاویه اصلاح ساختارهای سلامت! حال آنکه در اصل ساختار سلامت بود که برای حفظ دریافت‌ها فدا می‌شد. جامعه پزشکی به چنان خرده‌نگری‌ای مبتلا شد که مسائلی همچون مالیات پزشکان و کتک‌خوردن این یا آن طبیب در فلان شهرستان کوچک، مشغله ذهنی بیشتری برای او ایجاد می‌کند تا اصلاح ساختارهایی که موجودیت و کیفیت حرفه هر روزه او را با سرعت به قهقرا می‌برد. راستی یا این تفاسیل‌مانند در جایگاهی که هیچ نیازی به آن نداری و با سقوط خود او را بلند کرده‌ای، رفتاری اخلاقی است یا نماندن و رفتن با این امید که گوش‌هایی باشند که معنای این رفتن و این نوع رفتن را دریابند و انعکاس دهند؟ آیا ماندن و بخشی از نظام‌شدن و دفاع از آن، مدرن‌تر و نادرتر است یا رفتن، اما نگه‌کردن و دیدن و گفتن؟

روز تحویل داده شود. دلیل این تفاوت چیست؟
● **خسارت هزارو ۸۰۰ میلیاردتومانی:** در همان روزهای اول اعلام شد خسارت زلزله هزارو ۸۰۰ میلیارد تومان برآورد شده است، اما با مرور اخبار و اطلاعات منتشرشده به نظر می‌رسد حجم منابع مالی که برای جبران خسارت‌ها در نظر گرفته شده است چندبرابر این مقدار است.

● **وعده:** استاندار به ایسا گفته است: «اما با وجود همه کلاه‌ها، با توجه به این حجم کار و پرداخت این میزان تسهیلات و کمک بلاعوض حدود سه‌هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان ادامه دارد و تاکنون هزار میلیارد تومان آن توزیع شده است». علت چیست و خسارت‌ها قرار است چگونه جبران شوند. ساخت تله‌کابین و مونوریل به‌عنوان اقدامات استانی در دستور کار قرار گرفته که البته اعتراض‌هایی هم شده است.

اعتماد از دست‌رفته و نقش سلبریتی‌ها

مردم به مسئولان و نهادهای رسمی کم‌اعتماد بودند سلبریتی‌ها وارد میدان شدند و قرار بود کارهایی در زمینه مسکن و ساخت فرهنگ‌سرا انجام دهند. حتی هلال‌احمر از یکی از سلبریتی‌ها درخواست کرد کمک‌ها را در اختیار این نهاد قرار دهد. با مرور اعتراض‌ها به نظر رسید کارها چندان پیش نرفت. برای برطرف‌کردن برخی نکته‌ها سلبریتی‌ها مدام به دستگاه‌های مسئول فراخوانده شدند. همچنین برای جامعه‌شناسان و تحلیلگران مسئله مهم، اعتماد مردم به مسئولان بود. تعداد زیادی مقاله و سرنوشتی درباره این اعتماد از دست‌رفته نوشته و هشدار داده شد، سیمابز برگزار شد و درباره مسائل مهم، ازجمله اینکه سلبریتی‌ها به‌جای متخصصان نقش مهمی پیدا کرده‌اند، ابراز نگرانی شد.

● **نکته:** که در این یک‌سال‌واندی چه اتفاقی افتاد؟ آیا تدبیری اندیشیده شد؟ آیا قرار شد که برای رفع برخی مسائل کام‌های مشهودی برداشته شود؟

● **نتیجه:** در همه زلزله‌های مشابه نظیر زلزله بم، آذربایجان و... در سال‌های گذشته مناطق پس از زلزله دچار مشکلات متعددی شده و هنوز بازسازی نشده‌اند. مردم نگرانند کرمانشاه نیز شبیه همان وضعیت را پیدا کند.

مشارکت معولان یک موضوع مهم و کلیدی خواهد بود. درعین‌حال این موضوع مورد توجه رهبران کسب‌وکار جهانی قرار گرفته است و در شرکت‌های بزرگ موضوع حضور معولان مسئولانه‌یگیری خواهد شد... ما امسال بالاخره ابعاد این موضوع را درک کرده‌ایم اما سال ۲۰۱۹ نقطه عطفی برای اقدام واقعی در جهت رسیدن به یک جامعه کاملا فراگیر است. مشارکت اجتماعی معولان دیگر امری نیست که صرفا «خوب است که وجود داشته باشد»، بلکه این موضوع در دنیای کسب‌وکار به همه مربوط است. سال ۲۰۱۸ زمان اظهارات جسورانه شرکت‌های بزرگ و انجمن‌های جهانی درباره مشارکت معولان بود. همه چیز دارد تغییر می‌کند. ما داریم به یک گذرگاه تاریخی می‌رسیم که در آن شرکت‌ها به خواسته‌های یک میلیارد نفر پاسخ‌گو می‌شوند.